

## نصوص جلیه امامت از دیدگاه شیعه امامیه

□ نویسنده: سیداحمد رجایی<sup>۱</sup>

### چکیده

امامت از بنیادی‌ترین مباحث علم کلام اسلامی است که همواره مرز میان نگرش الهی و انتخابی در تعیین پیشوای پس از پیامبر اکرم (ص) را مشخص ساخته است. در مکتب شیعه امامیه، مهم‌ترین مستند بر امامت الهی ائمه (ع)، «نصوص جلیه» است؛ یعنی بیانات صریح و غیرقابل تأویل پیامبر (ص) درباره تعیین امام معین، که در قالب واژه‌هایی همچون وصی، خلیفه، امام، امیرالمؤمنین، سید و یعسوب‌الدین در احادیث متعدد جلوه‌گر شده است.

اهمیت این پژوهش در آن است که نصوص جلیه، نه تنها مبنای اعتقاد امامیه به نصب الهی امام را تشکیل می‌دهد، بلکه تفسیر درست از استمرار هدایت الهی پس از ختم نبوت را روشن می‌سازد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع متقدم کلامی چون آثار شیخ مفید، سید مرتضی، خواجه نصیر طوسی، ابن میثم بحرانی و فاضل مقداد، به بررسی مفهومی و اصطلاحی نص جلی، ویژگی‌های آن و دلالت‌های روشنش در امامت امام علی (ع) و دیگر ائمه (ع) پرداخته است.

داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که نصوص جلیه در احادیثی مانند حدیث یوم‌الدار، حدیث وصایت، حدیث خلیفه و حدیث امیرالمؤمنین، به صورت آشکار بر نصب الهی امام علی (ع) دلالت دارد و هیچ تأویل یا احتمال خلافی در آن راه ندارد. این روایات، اساس نظریه امامت به‌عنوان منصبی الهی و استمرار ولایت و هدایت در امت اسلامی را شکل می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: نص جلی، نصوص، امامت، شیعه امامیه، خلافت، وصایت.

<sup>۱</sup> - کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی (گرایش کلام). seydamad20r@gmail.com

## مقدمه

امامت از بنیادی‌ترین مباحث کلام اسلامی است که همواره محور اختلاف مکاتب فکری مسلمانان به‌شمار می‌رفته است. یکی از مسائل مهم در این زمینه، راه تعیین امام پس از پیامبر اکرم (ص) است که دو دیدگاه اصلی در میان متکلمان شکل گرفته است: گروهی بر نصب الهی امامان و تعیین آنان از سوی پیامبر (ص) تأکید دارند، در حالی که دیگران امامت را نهادی اجتماعی و مبتنی بر انتخاب امت می‌دانند.

در میان شیعیان امامیه، «نصوص جلیه» مهم‌ترین مستند نقلی بر امامت الهی ائمه (ع) به‌شمار می‌رود. نص جلی در اصطلاح متکلمان امامیه، عبارت است از بیان صریح و غیرقابل تأویل پیامبر (ص) بر امامت شخص معین که الفاظ آن دلالتی روشن بر خلافت و وصایت دارد؛ مانند روایات مشتمل بر واژه‌های «وصی»، «خلیفه» و «امام». این نصوص به‌ویژه در روایات متواتر حدیث الدار، احادیث خلافت، امامت، امارت و سیادت به عنوان پایه استدلالی امامیه بر نصب الهی امام علی (ع) و جانشینی ائمه (ع) شناخته می‌شود.

بررسی نصوص جلیه از دیدگاه امامیه، علاوه بر تبیین مبانی الهی امامت، نقش تعیین‌کننده‌ای در فهم تاریخ کلام اسلامی دارد؛ زیرا اختلاف درباره وجود و دلالت این نصوص، مرز میان دو نگرش اصلی در مسئله امامت را رقم زده است: نگرش الهی - نصی امامیه و نگرش انتخابی - عرفی اهل سنت و اباضیه.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کلامی متقدمان شیعه همچون شیخ مفید، سید مرتضی و خواجه نصیرالدین طوسی و.... می‌کوشد مفهوم نص جلی، معیارهای آن و مصادیق روشنش در امامت امام علی (ع) و دیگر ائمه (ع) را واکاوی کند و نشان دهد که از دیدگاه امامیه، نصوص جلیه نه تنها نشانه نصب الهی امام، بلکه تضمین‌کننده استمرار هدایت الهی پس از پیامبر (ص) است.

## مفاهیم

۱- نص: نص در لغت، «کمال، غایت و رسیدن به مرحله نهایی» است و در لغت عرب، واژه «نَصَّ» از ریشه «ن-ص-ص» به معنای بلند کردن، ظاهر ساختن، و به نهایت رساندن چیزی آمده است. یکی از موارد استعمال آن، «نَصَّبَ الْمَرْأَةُ الْعُرُوسَ؛ (احمد بن فارس، ۱۳۶۶:

۴۳۳/۵). است، یعنی عروس را بر جای بلند نشانند تا دیده شود. بر این اساس، «نص» به معنای اظهار و آشکارسازی تمام و کمال یک معنا یا موضوع به کار رفته و دلالت بر نهایت و غایت چیزی دارد.

نص در اصطلاح اصول فقه و علم کلام به هر لفظ و کلامی اطلاق می شود که دلالت آن بر معنایش روشن و صریح باشد؛ به گونه ای که هیچ احتمال معنای دیگری در آن راه نداشته باشد؛ (علی آمدی، ۱۴۲۴: ۲۴/۳).

## ۲- نص جلی

بعد از روشن شدن معنای نص در لغت و اصطلاح اینک به بیان معنای جلی اکتفاء می شود. در فرهنگ فارسی فرموده: واضح، روشن، آشکار، صیقل داده شده، پرداخت شده، و در فرهنگ عمید جلی را به معنای رسا، شیوا، بلند، «صلوات جلی» آورده است یا در لغت نامه دهخدا جلی ضد خفی به معنای هویدا آشکار است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۴۱۹). باتوجه به لغت نامه و فرهنگ ها معنای واحد در قالب الفاظ متعدد بدست آوردیم که معنای جلی واضح، روشن و آشکار از آن ها است.

نص جلی در اصطلاح، استعمال نص جلی در خصوص اثبات امامت ائمه در اصطلاح متکلمین شیعه معنای خاص خود را دارد، مانند تبیین مرحوم فاضل مقداد (ر) که فرموده: «النص الجلی هو اللفظ الذی لا یحتمل غیر مافهم منه؛ (مقداد، السیوری الحلی، ۱۴۰۵: ۳۳۸)، نص جلی لفظی است که احتمال دیگری، غیر آنچه از او فهمیده می شود در آن راه ندارد؛ این عبارت حکایت از اصطلاح مشهور نص جلی دارد، که لفظ دلالت قطعی بر یک معنای مشخص دارد، و هیچ تأویل یا احتمال خلاف ضعیف و قوی در آن راه ندارد؛ (محمد، تهانوی، ۱۶۹۶: ۳۸۴/۲).

## ۳- امامت

در دیدگاه امامیه، «امامت» منصبی الهی است که به نصب و تعیین خداوند و ابلاغ پیامبر اکرم (ص) تحقق می یابد و نه نهادی انتخابی یا صرفاً اجتماعی. امام از نظر ایشان، خلیفه و وصی پیامبر (ص) در حفظ شریعت، تبیین احکام، و هدایت امت است. این منصب از ارکان اعتقادی دین و استمرار بخش هدایت الهی پس از پیامبر (ص) به شمار می رود. از این رو،

برای فهم درست از جایگاه امامت و حقیقت آن، نخست باید به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی «امامت» پرداخت.

### ۱\_۳. معنای لغوی

«امام» در لغت از ریشه «أَمَّ» به معنای قصد کردن و پیشی گرفتن است. «الإمامُ: كُلُّ مَا أُتِمَّ بِهِ مِنْ رَئِيسٍ أَوْ غَيْرِهِ، وَ الْجَمْعُ أئِمَّةٌ» امام، هر چیزی است که مورد پیروی قرارگیرد؛ خواه پیشوا باشد یا غیر آن جمع آن ها ائمه هستند، (محمد ابن منظور، ۱۹۸۸م: ۲۶/۱۲).

همچنین در مفردات راغب آمده است: «الإمام هو المؤتم به؛ إنساناً كان أو كتاباً أو سنة» امام، چیزی است که از آن پیروی شود؛ خواه انسان باشد، یا کتاب یا سنت؛ (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۸۷/۱).

در نتیجه آنچه از کتب لغات بدست آمد این است که امام از ماده أَمَّ به معنای قصد و پیشی گرفتن، یا چیزی است که از آن پیروی شود، و در قرآن هم این واژه را چه بصورت جمع یا مفرد به معنای پیشوا، راهنما و مرجع دانسته است. که به جهت جلوگیری از اطاله کلام در اینجا مطرح نکردیم.

### ۲\_۳. معنای اصطلاحی امامت

متکلمان شیعه امامیه امامت را تعریف کرده اند و دو نمونه عبارتند از:

۱\_۲\_۳. مرحوم شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳) می فرماید: «امامت ریاست جامعه دینی است و امامان قائم مقام پیامبرند و همچون پیامبر دارای مقام تنفذ قوانین و احکام شرع و برپایی حدود الهی، تربیت بشر و حفاظت از دین و شریعت هستند،» در این تعریف وجود تکلیف، عقلا ضرورت وجود امام را گواهی می دهد و تعیین امام را از جانب خدا لازم و ضروری میداند؛ (محمد، مفید، ۱۴۱۴: ۶۵/۴).

۲\_۲\_۳. مرحوم عبد الرزاق لاهیجی (؟ - ۱۰۷۲)، می فرماید: «امامت ریاست عامه مسلمین در امور دنیا و دین بر سبیل خلیفگی و نیابت از پیغمبر (ص) است؛ (عبد الرزاق، لاهیجی، گوهر مردا، ص ۴۶۱؛ حزین لاهیجی، ۱۳۷۵: ۱۴۳).

#### ۴\_ شیعه امامیه

واژه شیعه: در اصل به معنای پیرو و یار است و در لغت به اتباع و انصار اطلاق می‌شود (خلیل الفراهیدی، ۱۴۲۴ / ۸ / ۲۹۱)، در قرآن کریم نیز چنین استعمالی آمده است، مانند آیه: «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ» (صافات / ۸۳)، یعنی ابراهیم از پیروان نوح بود. خلیل بن احمد: شیعه را به «اتباع» معنا کرده است (خلیل الفراهیدی، ۱۴۲۴ / ۸ / ۲۹۱)، ابن منظور می‌گوید: به گروهی که بر يك امر اتفاق نظر دارند، شیعه گفته می‌شود. (محمد، ابن منظور، لسان العرب، ماده (کلمه شیع)، ج ۸، ص ۱۸۹)، در المنجد نیز آمده است: «شیعه علم بالغلبه برای هر فردی است که محب علی (ع) و اهل بیت اوست (فؤاد افرام، البستانی، ۱۳۷۶: ۱ / ۶۱۳)

شیعه در اصطلاح: به کسانی اطلاق می‌شود که معتقد به خلافت و امامت بلافضل حضرت علی بن ابی طالب (ع) از سوی پیامبر اسلام (ص) هستند. در کاربرد عام، این واژه سه مذهب امامیه، زیدیه و اسماعیلیه را دربر می‌گیرد؛ ولی در کاربرد خاص، به امامیه اطلاق می‌شود که به دوازده امام معصوم (ع) ایمان دارند (جعفر سبحانی، ۱۳۷۶: ۱۵۰). از دیدگاه شیخ مفید، امامی مذهب کسی است که به وجود امام در هر زمان، به نص جلی بر امامت و عصمت امام، و به تداوم آن در فرزندان امام حسین (ع) تا حضرت مهدی (عج) معتقد باشد. (محمد مفید، ۱۴۱۴: ۳۸\_۳۵).

امامیه معتقد به نص جلی و خفی در امامت هستند و بر روایاتی بسیار، در زمینه اثبات امامت امیرالمؤمنین (ع) و باقی ائمه (علیهم السلام) استدلال کرده اند، ما در اینجا چستی نص جلی، ویژه گی ها و واژه های نص جلی را با اهم روایات که بر امامت و جانشینی از پیامبر (ص) دلالت دارد، در ضمن پنج دسته با اختصار می آوریم.

#### الف) چستی نص جلی

مرحوم نوبختی حسن بن موسی (ت ۲۴۰ م ۳۱۰) فرموده: «منصوص علیه من الإمام الذي قبله مشار إليه بعینه و اسمه و نسبه». (حسن نوبختی، ۱۴۰۴: ۱۹)، امام کسی است که از سوی امام پیش از خود، نص و تصریح به شخص او و نام او و نسب او اشاره شده است. این تعریف و تعارف جهت تبیین و توضیح یا معرفی نص جلی در ضمن مثال ذکر شده است.

مرحوم سید مرتضی (ت ۳۵۵ م ۴۳۶) می فرماید: «فأما النص الجلی ما علم سامعوه من الرسول صلی الله علیه و آله مراده منه باضطرار و إن کنا الآن نعلم ثبوته، (علی علم الهدی، ۱۴۰۷: ۶۷/۲)، اما نص جلی آن چیزی است که سامع در زمان پیامبر (ص) بدون استدلال مقصود آن حضرت را می فهمد اگرچه در این زمان ثبوت نص نیاز به استدلال دارد.

مرحوم خواجه نصیر طوسی (ت ۵۹۷ م ۶۷۲) در تجرید الاعتقاد قائل به نص جلی شده است، و فرموده: «و للنص الجلی فی قوله (ص) سلموا علیه بامرة المؤمنین و انت الخلیفه من بعدی، (ابوالحسن شعرانی، ۱۳۷۲: ۵۱۵)، و نصّ روشن در سخن پیامبر که فرمود: «بر او به عنوان امیر المؤمنین سلام کنید، و تو خلیفه من پس من هستی.

مرحوم ابن میثم بحرانی (ت ۶۳۶ م ۶۷۹) فرموده: «النص الجلی من رسول الله صلی الله علیه و آله فی حقه بحيث لا یقبل التأویل، کقوله «سلموا علیه بامرة المؤمنین و اسمعوا له و اطیعوا؛ (میثم بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۸۷)، نص جلی از رسول خدا (ص) در حق علی (ع) به گونه ای که هیچ گونه تأویلی رانمی پذیرد، مانند سخن آن حضرت که فرموده: به او به عنوان امیر المؤمنین سلام دهید و سخن او را بشنوید و از او فرمان ببرید.

مرحوم فاضل مقداد (م ۸۲۶) در تعریف نص جلی فرموده: «النص الجلی، هو اللفظ الذی لا یحتمل غیر مافهم منه؛ (مقداد، السیوری الحلی، ۱۴۰۵: ۳۳۷)، نص جلی لفظی است که احتمال دیگری، غیر آنچه از او فهمیده می شود در آن راه ندارد؛ مراد از نص در این تعریف اصطلاح مشهور است که لفظ دلالت قطعی بر یک معنای مشخص دارد، و هیچ تأویل یا احتمال خلافی ضعیف و قوی در آن راه ندارد. و درجایی دیگر فرموده «اللفظ الدالّ علی المراد اولاً بذاته وهو الجلیّ». (مقداد، السیوری الحلی، ۱۳۷۸: ۱۶۰)، لفظی که به نفسه بر مراد دلالت کند آن نص جلی است.

مرحوم ملا مهدی نراقی (ت ۱۱۲۸ م ۱۲۰۹) فرموده: «نصّ جلی آنست که صریح بر مطلب باشد». (مهدی، نراقی، ۱۳۶۹: ۱۸۴)،

### ب) ویژه گی های نص جلی

با توجه به تعاریف علمای امامیه، از جمله ویژگی های نص جلی را بدهات، ضرورت، صراحت، تاویل ناپذیری، عدم نیاز به استدلال و انضمام مقدمات بیان کرده اند که برجستگی

و حالت ویژه ای رادر این واژه بوجود آورده است.

### ج) واژه های نص جلی

شناخت این واژه مارا درگرفتن روایات نص جلی و رسیدن به هدف که جمع آوری این روایات است کمک می نماید، پس بیان مفهوم واژه ها لازم است.

#### ۱- وصی

وصایت در لغت سفارش کردن است؛ (محمد، ابن منظور، ۱۹۸۸م: ۳۹۴/۱۵)، در اصطلاح فقه به معنای ولایت دادن به غیر در حفظ مال و سرپرستی فرزندان می باشد؛ (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۳: ۲/۳۱۳۵). و در اصطلاح علم کلام تعیین جانشین برای پیامبران و امامان (علیهم السلام) است؛ (مقدس اردبلی، ۱۳۸۳: ۱/۱۸۱).

#### ۲- خلیفه

ابن اثیر فرموده «خلیفه» در لغت کسی است که در پی دیگری می آید و جانشین او می شود و جای او را پر می کند؛ (علی ابن اثیر، نهاية اللغة، ۱۳۸۰: ۳۴۰، ماده خلف). این واژه در آیات قران هم بر همین معنا آمده است مانند: (وَ اذْكُرُواْ اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ، (اعراف/ ۷۴)، به یاد آورید هنگامی که شما را جانشین قوم عاد قرار داد؛ (مرتضی عسکری، ۱۴۱۲: ۱/۲۲۱). خلیفه در اصطلاح اهل سنت: مترادف معنای «امامت» است که جانشین پیامبر (ص) در اجرای دین، به گونه ای که پیروی از او بر همه مسلمانان واجب است؛ (علی جرجانی، ۸/۳۴۵). اما خلیفه در اصطلاح شیعه ولایت امامت یا جانشینی پیامبر (ص) در همه امور دنیوی و اخروی است؛ (اسمعیل طبرسی، ۳/۲).

#### ۳- امام

واژه امام در لغت به معنای پیشوا و کسی است که مردم به او اقتدا می کنند و در قرآن امام بر همین معنی آمده است،

خداوند متعال به ابراهیم (ع) فرموده: (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)، (بقره/ ۱۲۴) من تو را پیشوای مردم قرار می دهم. و از شرط درآیه: (لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ): پیمان [امامت] من به

ستمکاران نمی‌رسد!» استفاده می‌شود که امامت قرار و پیمانی الهی است که به ظالمان و ستمگران نمی‌رسد، ظالم به خود باشد یا به دیگری فرق نمی‌کند، و با این تعریف، «امام» مصطلحی شرعی و نامی اسلامی است؛ (مرتضی عسکری، ۱/ ۶۲۳-۶۲۲)

#### ۴- امارت

این واژه در لغت فرمانروا بودن، امیربودن، فرماندهی و سرداری را گویند؛ (فخرالدین، طریحی، مجمع البحرین، ص ۴۵۵؛ المرتضی، الزبیدی، تاج العروس، ج ۲۰، ص ۳۱۰؛ علی اکبر، دهخدا، لغت نامه، ج ۱، ص ۲۲۶).

و در اصطلاح علم کلام: امارت نوعی حاکمیت سیاسی است که توسط یک خاندان پادشاهی یا بالاترین مقام در جهان اسلام تحت عنوان امیر اداره می‌شود؛ و هم معنا با واژه ولی و امام است که در منابع شیعه و سنی نقل شده؛ (میر حامد حسین کنتوری، ۱۴۰۴: ۴/ ۱۹۲)

#### ۵- قائد الغرالمحجلین

از القاب امیرالمؤمنین به معنای پیشوای سپید جبهه گان و کسانی است که دست و پایشان بر اثر وضو و مسح سفید و نورانی است، «علی (ع) قائد این امت در طهارت و عمل است؛ (علی اکبر، ۱۳۷۳: ۲/ ۲۶۱۹).

#### ۶- یعسوب الدین

رئیس بزرگ؛ (فؤاد افراهم البستانی، ۱۳۷۶: ۱۰۰۲) به ملکه زنبوران عسل یعسوب می‌گویند، سرور، رئیس و لقب حضرت علی است (ع)، (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۳: ۲/ ۳۲۱۰)

#### ۷- سید

سید قبل از اعلان سیود بوده و معنای لغوی آن سرور، آقا، بزرگ می‌باشد و در اصطلاح به افرادی که نسب شان از طرف پدر به رسول خدا یا عبدالمطلب برسد سید گفته می‌شود؛ (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۳: ۲/ ۱۷۳۹).

نتیجه: نص جلی آنست که در آن واژه گانی چون خلافت، امامت، وصایت، امارت، قائد غرالمحجلین، یعسوب الدین و واژه سید به کاررفته است، و دلالت اینها بر امامت صریح، آشکار بدون تأویل و انضمام مقدمات می‌باشد. علاوه بر بیان مفاهیم، چستی نص جلی، واژه

ها و ویژگی های جلی نصوص وارده با تناسب واژه های جلی، نصوص جلی را دسته بندی نموده در اینجا آوردیم

#### (د) نصوص جلی

##### دسته اول: نصوص جلی مشتمل بر واژه وصی

روایت اول- رسول خدا(ص) فرمود: «أنت أخي ووصيَّ و خليفتي من بعدی و قاضی دینی (به کسر دال)؛ حسن بن عبدالرزاق لاهیجی، ۱۳۸۷: ۲۸۵)، تو برادر، وصی و جانشین من پس از من، و قاضی دین من هستی.

روایت دوم- مرحوم صدوق در حدیثی از امامان اهل بیت روایت کرده است که روزی پیامبر(ص) به اصحاب خود فرمود: «..... إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ جَعَلَ عَلِيًّا وَصِيًّا وَ مَنْارَ الْهُدَى بَعْدِي؛ (محمد حر عاملی، ۱۴۲۵: ۶۲/۳)، همانا خدای بزرگ، علی را وصی من و نشانه هدایت پس از من قرار داده است. جلی بودن روایت از واژه وصی استفاده می شود.

روایت سوم- ابن عباس از پیامبر(ص) روایت کرده است که «پروردگارم در معراج به من فرمود: یا محمد هَلَّا اتَّخَذْتَ مِنَ الْآدَمِيِّينَ وَزِيْرًا وَ أَخَا وَ وَصِيًّا مِنْ بَعْدِكَ؟ فَقُلْتُ: وَ مَنْ اتَّخَذَ فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: یا محمد قد اخترت لك من الآدميين علي بن أبي طالب؛ (محمد، ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱/۲۵۰)، ای محمد ص) چرا از میان آدمیان فردی را به عنوان وزیر، برادر و وصی خود برگزیده ای؟ گفتم چه کسی را برگزینم؟ خداوند فرمود «ای محمد» علی بن ابی طالب را برای تو اختیار کرده ام.

روایت چهارم- وی روایت از پیامبر اسلام(ص) نقل کرده که صراحت در محل بحث دارد: «فینادی مناد من بطنان العرش: لیس هذا ملك مقرب و لا نبی مرسل و لا حامل عرش هذا علي بن أبي طالب وصي رسول رب العالمين، وإمام المتقين، وقائد الغر المحجلين؛ (هاشم بحرانی، ۱۴۲۲: ۲/۲۱۹). پس ندا می زند منادی از داخل عرش، نیست این ملک مقرب و نه نبی مرسل و نه از نگهبانان عرش، این علی بن ابی طالب وصی رسول، پروردگار عالمین و پیشوای پرهیز گاران و پیشتاز روسپیدان است. در این روایت سه واژه از واژه های نص جلی مانند وصی، امام و قائد استفاده شده است.

روایت پنجم\_ اسعد بن حسین بن علی در کتاب اربعین روایت کرده که رسول خدا(ص) فرمود: «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مَنْيَ مَا دَامَ عَلِيٌّ حَيًّا، عَلِيٌّ فِي الدُّنْيَا عَوْضُ مَنْيَ بَعْدِي، عَلِيٌّ كَجَلْدِي، عَلِيٌّ كَلْحَمِي، عَلِيٌّ كَدَمِي فِي عُرُوقِي، عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيِّ فِي أَهْلِي وَخَلِيفَتِي فِي قَوْمِي وَمَنْجَزُ عِدَاتِي وَقَاضِي دِينِي؛ (محمد طاهر قمی، ۱۴۱۸: ۴۰)، یعنی مادامی که علی زنده است، زمین از من خالی نیست. علی در دنیا بعد از من عوض من است، علی مثل پوست من، علی مثل گوشت من، علی مثل خون من است در عروقم. علی برادر من و وصی در اهل من و خلیفه من در قوم و منجز وعده‌های من و قاضی دین من است.

روایت ششم\_ حدیث یوم الدار: نقل شده است. بعد از نزول آیه: (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ)، (شعراء/ ۲۱۴) پیامبر اکرم (ص) مأ موریّت یافت که نزدیک ترین خویشاوندان خود را انذار و دین اسلام را به آن ها ابلاغ نماید. به علی (ع) دستور داد تاغذایی تدارک کند. پس از آمادگی لازم، همه را در خانه ی گرد آورد، ولی با تخریب ابوجهل و طول تفصیل که داشت، در نوبت سوم رسول خدا خواسته خود را اینطور مطرح نمود: «ایکم یؤازرنی علی هذا الأمر یكون أخی و وصیی و خلیفتی من بعدی» کدام یک از شما مرا یاری میکند تا برادر، وصی و جانشینم باشد؛ (نور الله، شوشتری، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۱۴۹)، آن ها پاسخ برای پیامبر (ص) ندادند جز علی (ع)، هر بار بلند شد اعلان آمادگی و وفاداری کرد. و پیامبر (ص) فرمود: «فأنت أخی و وزیري و وصیی و وارثی و خلیفتی من بعدی؛ (نور الله، شوشتری، ۱۴۰۹: ۶۹ / ۴)، تو برادر، وزیر و وصی و وارث و جانشین من بعد از من هستی.

امتیاز حدیث: دربخش اثبات امامت امیرالمؤمنین(ع) این است که در ابتدای بعثت پیامبرالسلام (ص) واقع شده. و ثانیاً شیعه و سنی درنقل حدیث وفاق دارند. ما در اینجا ناقلین صحابه، محدثان شیعه و سنی را آوردیم

ناقلین از صحابه عبارتند: از «علی بن ابی طالب(ع)، عبدالله بن عباس، قیس بن سعد بن عباد، ابو رافع خدمتگذار رسول خدا (ص) و براء بن عازب؛ (عبدالحسین امینی، ۱۴۱۶: ۳۶۹) تعدد نقل آن در منابع شیعه و سنی، جعلی بودن حدیث را باطل می کند. و بعضی روایات از جهت سند معتبر هستند وعده ای دیگر تصریح به صحت آن کرده اند.

محدثان شیعه: «مرحوم صدوق، مرحوم شیخ طوسی، مرحوم علامه مجلسی، مرحوم شیخ حر آملی و مرحوم سید هاشم بحرانی، و.....، حدیث الدار را روایت کرده اند؛ (باقر، مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸/۱۷۷).

محدثان اهل سنت مانند: «احمد بن حنبل، نسائی، ابن جریر طبری، ابونعیم، بیهقی و جلالالدین سیوطی و..... حدیث الدار را نقل کرده اند؛ (عبدالحسین شرفالدین، ۱۴۲۶: ۱۸۶؛ عبدالحسین امینی، ۱۴۱۶: ۲/۴۰۱؛ دراین دو منبع خصوصاً روایات گوناگونی این حدیث را الغدیر از منابع حدیثی، تاریخی و تفسیری اهل سنت آورده است).

### دسته دوم: نصوص جلی مشتمل بر واژه خلیفه

روایت اول- پیامبر(ص) فرموده: «و هذا خلیفتی فیکم من بعدی فاسمعوا له و اطیعوا؛ (محمد حسن، مظفر، دلائل الصدق لنهج الحق، ج ۶، ص ۲۷)، این علی(ع) جانشین من درین شماست، سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید.

روایت دوم- و نیز فرموده: «ألم ترض أن تكون أخی و خلیفتی من بعدی؛ (حسن حلی، ۱۴۱۳: ۳۶۷)، [یا علی] آیا راضی نیستی که برادر و جانشین من پس از من باشی. پیامبر(ص) این سخن را هنگامی به علی فرمود که میان مسلمانان عقد اخوت برقرار کرد و کسی جز علی(ع) باقی نمانده بود. و مولا به پیامبر(ص) عرض کرد میان صحابه به جز من عقد اخوت برقرار ساختی، رسول خدا سخن فوق را به او فرمود.

روایت سوم - عمار بن یاسر می گوید: دربرخی از غزوات با پیامبر(ص) بودم و علی(ع) پرچمداران سپاه دشمن را کشته و جمع آنان را متفرق ساخته بود. نزد پیامبر(ص) آمدم گفتم: ای رسول خدا به درستی که علی(ع) حق جهاد در راه خدا را ادا کرد، رسول خدا(ص) فرمود: «زیرا او از من و من از اویم او وارث علم من، و قضا کننده دین من، و تحقق بخش به وعده من، و جانشین من است، جنگ با او جنگ با من، جنگ با من جنگ با خداست، و سازش با او سازش با من و سازش با من سازش با خداست؛ (جعفر حلی، المسلك فی أصول الدین، ۱۳۷۳: ۲۲۵)،

روایت چهارم- مرحوم شیخ صدوق در حدیث مسند از پیامبر اکرم(ص) روایت کرده که فرمود: «ای مردم، علی خلیفه خدا و خلیفه من بر شما پس از من است. او امیر مؤمنان

وبهترین اوصیا است. هرکس با اونزاع کند، بامن نزاع کرده، وهرکس به او ظلم کند بامن ظلم کرده است؛ (علی ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۸: ۱۰۵).

روایت پنجم\_ از ابن عباس حکایت شده که گفت: شنیدم از رسول خدا(ص) که می گفت به علی(ع) «تو وصی منی که خدا تورا وصی قرار داده. و تو خلیفه منی که خدا تورا خلیفه قرار داده است. امر تو امر من است اطاعت از تو اطاعت از من است واطاعت از من اطاعت از خداست. هرکس تورا معصیت و نافرمانی کند مرا معصیت کرده و معصیت از من نافرمانی از خداست؛ (محمد حرعاملی، ۱۴۲۵: ۳/۲۵).

روایت عمق مسئله رایبان می کند حتی احتمال ابهام هم رود چه برسد که منتظر صورت دعوا باشیم.

روایت ششم\_مر حوم شیخ صدوق در حدیث از عبد الله بن عمر روایت می کند که پیامبر(ص) به علی(ع) فرمود: «أَنْتَ أَخِي وَ وَزِيرِي وَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي فِي أَهْلِي، تَقْضِي دِينِي وَ تُبْرِئُ ذِمَّتِي؛ (محمد ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۳۱۱)، تو برادر و وزیر و جانشین من در میان خاندانم هستی قرض مرا ادا کنی و ذمه ام را بری نمایی.

#### دسته سوم: نصوص جلی مشتمل بر لفظ امام

روایت اول\_ سلمان فارسی گفته است که پیامبر(ص) به فاطمه (س) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَطْلَعَ إِلَى الْأَرْضِ اطَّلَاعَةَ فَاخْتَارَنِي مِنْهَا فَجَعَلَنِي نَبِيًّا، ثُمَّ أَطْلَعَ ثَانِيَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا عَلِيًّا فَجَعَلَهُ إِمَامًا، ثُمَّ أَمَرَنِي أَنْ اتَّخِذَهُ أَخًا وَ وَصِيًّا وَ وَزِيرًا؛ (نور الله شوشتری، ۱۴۰۹: ۴/۱۰۶)، خداوند بار نخست به زمین نظر افکند و مرا از آن برگزید و پیامبر قرار داد، بار دوم به زمین نظر نمود و علی را برگزید و او را امام قرار داد، سپس به من دستور داد تا او را برادر، وصی و یاور خود سازم.

روایت دوم\_ عبد الله بن سمره می گوید از پیامبر(ص) خواستم که مرا به راه نجات هدایت کند، فرمود: «ای فرزند سمره إذا اختلفت الأهواء و تفرقت الآراء فعليك بعلي بن ابي طالب فإنه امام امتی و خلیفتی علیهم؛ (فاضل مقداد، ۱۳۸۰: ۳۳۶)، هرگاه عقاید و آرا مختلف گردید به علی بن ابی طالب اقتدا کن، زیرا او پیشوای امت من و جانشین من بر آنان است.

روایت سوم۔ ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود: «انّ علی بن ابی طالب إمام أمتی و خلیفتی علیهم من بعدی و من ولده القائم المنتظر المهدی؛ (محمد طوسی، ۱۴۱۴: ۹۸)، علی بن ابی طالب پیشوای امت من و جانشین من بر آنان پس از من است، و مهدی قائم منتظر از فرزندان اوست.

روایت چهارم۔ «علی امامکم؛ (محمد باقر مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۳/۴)، علی پیشوای شماست.

روایت پنجم۔ ابو بکر محمد بن مؤمن شیرازی در رساله اعتقاد روایت کرده که پیامبر (ص) فرمود: «من أراد منكم النّجاة بعدی و السّلامة من الفتن، فليستمسك بولاية عليّ بن أبي طالب فإنّه الصّدیق الأكبر و الفاروق الأعظم و هو إمام كلّ مسلم بعدی؛ (حسن لاهیجی، ۱۳۸۷: ۲۸۳)، یعنی هرکس خواهد که بعد از من نجات یابد و از فتنه ها به سلامت باشد، پناه به علی بن ابی طالب برد و دست تمسک به ولایت او زند که به تحقیق اوست صدیق اکبر و فاروق اعظم (یعنی بزرگترین راستگویان و داناترین حکومت کنندگان) و امام هر مسلمی است بعد از من.

روایت ششم۔ زید بن ارقم می گوید شنیدم پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: «توامام و خلیفه پس از من هستی و دو فرزندت امامان و سید جوانان اهل بهشت اند و نه نفر از فرزندان حسین (ع) ائمه معصومین قائم ما اهل بیت هستند؛ (علی خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۱۰۰)، روایات که شباهت ۷۰ درصدی و یا بیشتر با این روایت دارند زیاد است به عنوان نمونه روایت از زبیر که با اضافه علی (ع) باحق وحق با اوست و یا روایت اصبع بن نباته که از عمران بن حصین نقل کرده با اضافه یا علی تو وارث علم منی.

روایت هفتم۔ از انس بن مالک روایت کردند که گفت روزی رسول اکرم (ص) به من فرمود: «یا انس آب وضو برای من بیاور پس برخاستم آب وضو آوردم پس از وضو گرفتن دو رکعت نماز بجای آورد آنگاه فرمود: یا انس أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ مِنْ هَذَا الْبَابِ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ، وَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، وَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ خَاتَمُ الْوَصِيِّينَ، وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، فَدَخَلَ عَلَيَّ (ع)؛ (محمد سلطان الواعظین، ۱۳۷۹: ۸۲۹)، اول کسی که از این در وارد می شود او امام

پرهیزکاران و سرور مسلمانان و یعسوب مؤمنان و خاتم اوصیاء و کشاننده رو و دست و پا سفیدانست بسوی بهشت. ناگاه دیدم علی از درب وارید شد.

### دسته چهارم: نصوص جلی مشتمل بر لفظ امیر و امارت

روایت اول- پیامبر اسلام (ص) فرموده: «سَلِّمُوا عَلٰی عَلِيٍّ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ (محمد حر عاملی، ۱۴۲۵: ۲۰۳/۳)، بر علی (ع) به عنوان امیر مؤمنان سلام بگویند.

روایت دوم- مرحوم کلینی در حدیث مسند از امام صادق (ع) و ابن عساکر از بریده اسلمی باسند خود روایت کرده است که «پیامبر اکرم (ص) از اصحاب خود خواست که به علی (ع) به عنوان امیر مؤمنان سلام بگویند، ما هفت نفر بودیم و من کوچک تر از همه بودم؛ (محمد حسین طهرانی، ۱۴۲۶: ۱۱۲/۸)، این روایت را مرحوم شیخ صدوق در حدیث مسند از امام حسین (ع) روایت می کند؛ (محمد ابن بابوی، ۱۳۸۴: ۱/۷۳-۳۱۲).

روایت سوم- در حدیث دیگری از امام صادق (ع) روایت شده است که خداوند در معراج به پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ای محمد چه کسی پس از تو پیشوای امت خواهد بود؟ پیامبر (ص) فرمود: خدا دانا تر است. خداوند فرمود: علی بن ابی طالب (ع) امیر مؤمنان و سید مسلمانان، و پیشوای رو سپیدان است؛ (محمد، کلینی ۱۳۸۷: ۱/۴۴۳).

روایت چهارم- مرحوم شیخ صدوق در حدیثی مسند از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده است که فرمود: «مردی نزد من آمد و گفت ای ابوالحسن تو ادعا می کنی که امیرالمؤمنین (ع) هستی. چه کسی تو را امیرالمؤمنین (ع) قراردادده است؟ گفتم: «خدا بزرگ مرا امیرالمؤمنین قرار داده است. آن مرد نزد پیامبر (ص) رفت و گفت: «ای رسول خدا آیا علی دراینکه می گوید خدا او را امیرالمؤمنین (ع) قراردادده راست می گوید؟ پیامبر (ص) از سخن وی به خشم آمد و فرمود: «علی (ع) به ولایت الهی که از بالای عرش خود برای او مقرر کرده، امیر مؤمنان است، و خداوند فرشتگان را گواه گرفته که علی خلیفه و حجت خدا و امام مسلمانان است، اطاعت او مقرون به اطاعت از خدا، و نافرمانی او مقرون به نافرمانی خداست، هرکس امامت او را انکار کند، نبوت مرا انکار کرده است؛ (محمد حر عاملی، ۱۴۲۵: ۳/۵۹).

روایت پنجم۔ وی در حدیث دیگری از ابن عباس روایت می کند: که پیامبر (ص) شنید برخی از قریش این مطلب را انکار می کنند که او علی را امیر مؤمنان نامیده است، پس بر منبر رفت و فرمود: «ای مردم خداوند مرا به پیامبری برانگیخت و به من دستور داد که علی را امیر شما قرار دهم، آگاه باشید که هرکس من پیامبر او هستم، علی امیر اوست. خداوند او را امیرالمؤمنین (ع) نامیده و کسی را قبل از او به این نام ننمیده است. آنچه را که درباره علی می بایست ابلاغ کنم، ابلاغ کردم. و هرکس مرا نا فرمانی کند خدا را نافرمانی کرده است؛ (محمد، صدوق، ۱۳۹۶: ۴۹۲).

با توجه به لقب امیرالمؤمنین که در این قسمت آورده شده. که از جمله واژه های مهم نص جلی است. ما ناقلین حدیث را از منابع شیعه در اینجا می آوریم و به مناسبت معنای ارزشمند که این لقب دارد یعنی (هم معنای خلیفه) پیامبر (ص) است. ثابت می شود که امام و خلیفه پس از پیامبر (ص) حضرت علی (ع) است.

ابتدا روایات شیعه دلالت دارد بر اینکه لقب امیرالمؤمنین که به معنی خلیفه و فرمانده کل قوای اسلام و پیشوای مومنان است. مخصوص علی بن ابی طالب (ع) می باشد و بر هیچ کس جز او حتی بر سایر ائمه نباید اطلاق شود؛ (محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷/۲۲۴).

و بر این مضمون روایات دیگری هم است که ذکر می کنیم.

نقل کرده اند از عمر بن زاهر و ایشان از امام صادق (ع) که مردی سوال کرد آیا روا است قائم آل محمد (ع) را به عنوان سلام بر تو ای امیر مؤمنان خطاب کرد. امام فرمود: «نه، زیرا خداوند تنها علی را به این لقب نامیده است، نه قبل او کسی به این لقب نامیده شده و نه پس از او؛ (هاشم بحرانی، ۱۳۷۳: ۲/۳۵۸).

در روایت دیگری آمده، شخصی به امام صادق (ع) عرض کرد: السلام علیک یا امیرالمؤمنین حضرت فرمود: «خاموش باش، این نامی است که جز علی (ع) به غیر شایسته نیست؛ (مقدس اردبیلی، ۱۳۸۳: ۱/۱۵).

عبدالله بن عباس می گوید: روزی با رسول خدا (ص) در یکی از کوچه های مدینه می رفتیم که علی (ع) از راه رسید و به رسول خدا این گونه سلام کرد: «السلام علیک یا رسول الله و رحمه و برکاته» پیامبر (ص) نیز در پاسخ فرمود: «وعلیک السلام یا امیرالمؤمنین» از لقب که

به علی داد تعجب کردم و علت خطاب را سوال کردم که محبت و دوستی شخصی بود یا از طرف خدا، پیامبر(ص) فرمود: به خدا سوگند آنچه به علی گفتم در شب معراج با چشم خودم دیدم که در هردری از بهشت نوشته شده بود علی بن ابی طالب هفتاد هزار سال پیش از خلقت آدم امیرالمومنین بوده است. (محمد ابن شهر آشوب، ۳/۵۴).

وی می گوید: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ آيَةً فِيهَا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا \* إِلَّا وَ عَلَيَّ رَأْسُهَا وَ امِيرُهَا؛ (سلیمان قندوزی، ۱۴۲۲: ۲۱۲). رسول خدا(ص) می فرماید: هر جا که در قرآن یا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا گفته شده در رأس و طلیعه آن امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دارد. ابن شهر آشوب از طریق عامه چنین نقل می کند که مجاهد در تفسیر خود آورده است: «خداوند نام گذارده علی را به ۸۹ موضع، امیرالمؤمنین وسید مخاطبین تا روز قیامت؛ (هاشم بحرانی، ۱۴۲۲: ۲۶).

ابوالعلاء حسن بن عطار از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا(ص) به ام سلمه فرمود: «ای ام سلمه شاهد باش و بشنو، این علی بن ابی طالب است که امیرالمؤمنین وسید مسلمانان و نهان خانه اسرار و جایگاه علم من است؛ (محمد مفید، ۱/۴۸).

بنابراین لقب امیرالمؤمنین(ع) از میان القاب آن حضرت مانند «سید المسلمین» و «یَعْسُوب الدِّين» و «قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ» و «امام الْبَرَّة» و «قاتل الْفَجَرَة» و «خليفة رسول الله» و «وصيه» و «وزيره» و أمثال اینها، مهم تر و در درجه بالاتر و جلوتری قرار دارد و به همین جهت رسول خدا(ص) مردم را امر کردند: که «به حضرت علي بن أبي طالب سلام نموده و او را بدین لقب نام ببرند. و این لقب عنوان اعتباری نیست بلکه بیان حقیقت است و کشف سری که در آن حضرت موجود بوده است چون امیر و رئیس به هر چه اضافه شود راجع به معنی و حقیقت آن شیء است. امیر جیش یعنی شخصی که از نقطه نظر فن رزم آزمائی بر تمام جیش مقدم است، و امیرالامراء یعنی شخصی که از نقطه نظر امارت بر سایر امراء برتری دارد. امیرالمؤمنین یعنی شخصی که از نقطه نظر ایمان، رئیس و سپهسالار مؤمنین است؛ (محمد حسین، طهرانی، ۱۴۱۶: ۲۸/۲).

### دسته پنجم: نصوص جلی مشتمل بر لفظ سید

روایت اول- پیامبر اکرم(ص) فرموده: أنت سید المسلمین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین؛ (محمد حر عاملی، ۱۴۲۵: ۳/ ۳۰۷). تو [ای علی] بزرگ مسلمانان و پیشوای متقیان و رهبر سپیدرویان و سرافرازان هستی.

روایت دوم- از سلمان فارسی روایت کرده که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدم، درحالی که حسین (ع) را بر دامن خود نشانده و او را می بوسید و می گفت: «أنت سید و ابن سید، أنت إمام ابن إمام ابو الأئمة، و أنت حجة ابن الحجة ابو حجج تسعة من صلبك تاسعهم قائمهم؛ (علی ابن طاووس، ۱۴۰۰: ۱/ ۱۷۴)، تو بزرگ و فرزند بزرگی، تو امام و فرزند امام و پدر امامانی، تو حجت، فرزند حجت و پدر حجت های نه گانه ای که نهمین آنان قائم آنهاست.

روایت سوم- اصبح بن نباته گفته است: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) به سوی ما بیرون آمد، درحالی که دستش در دست فرزندش حسن بود، و می گفت که پیامبر(ص) به سوی مسلمانان بیرون آمد، درحالی که دست من در دست او بود و می گفت: «برترین خلق پس از من و سید آنان این برادر من است. او پیشوای هر مسلمان و امیر هر مؤمنی پس از من است. [سپس حضرت علی (ع) فرمود] آگاه باشید که من میگویم: برترین خلق پس از من و سید آنان این فرزند من است. او پیشوای هر مسلمان و مولای هر مؤمنی پس از من است؛ (علی ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۸: ۱۰۲).

روایت چهارم- پیامبر(ص) امیرالمؤمنین را نزد ام سلمه معرفی نموده: «..... یا أم سلمة هذا علي سید المسلمین، و أمير المؤمنين، و الوصي من بعدي، و الخليفة على الأخیار من أمتي، أخي في الدنيا، و رفيقي في الآخرة؛ (علی حسینی میلانی، ۱۴۱۴: ۱۸/ ۳۱۸)، ای ام سلمه: این علی سید مسلمانان و امیر مؤمنان و وصی من بعد از من، و خلیفه بر مطیعان امت من، و برادر من در دنیا و رفیق من در آخرت است.

روایت پنجم- ابن شاذان از سعید بن جناده روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من سید اولاد آدم و علی علیه السلام سید عربست حق علی مثل حق

من است و طاعت او طاعت من است جز آنکه بعد از من پیغمبری نباشد هرکه از او مفارقت کند از من مفارقت کرده و هرکه از من مفارقت کند از خدا مفارقت کرده علی بهترین بشر است هرکه ابا کند کافر است؛ (حافظ برسی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

روایت ششم.... وَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عَلَيَّ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، وَ قَالَ: عَلَيَّ عَمُودُ الدِّينِ، وَ قَالَ: هَذَا الَّذِي يَضْرِبُ النَّاسَ بِالسَّيْفِ عَلَى الْحَقِّ بَعْدِي، وَ قَالَ: الْحَقُّ مَعَ عَلَيٍّ أَيُّمَا مَالٍ؛ (محمدباقر، مجلسی، مرآة العقول، ج ۳، ص ۲۷۸؛ محمد حر عاملی، ۱۴۲۵: ۵/۳)، و پیامبر (ص) می فرماید: «علی سید و سالار مؤمنان است». و گفت: «علی ستون و پایه دین است». و «این مرد همان کسی است، که پس از من بر اساس حق، مردم را با شمشیر می زند». و نیز فرمود: «حق با علی است، هر جا که میل کند».

نتیجه در روایت واژه های نص جلی بکار رفته مانند: سید مسلمین، عمود دین. درخصوص لفظ «سید» که پیامبر (ص) حضرت علی (ع) را مخاطب قرار داده، اختلاف مابین شیعه و سنی وجود ندارد. و علاوه بر آنچه ذکر شد، پنج روایت دیگر از علمای اهل سنت بابررسی سندی روایت درگفتاردوم بیان خواهد شد.

## نتیجه

«نصوص جلیه امامت از دیدگاه شیعه امامیه»

بر پایه‌ی مبانی کلامی امامیه، امامت نه نهادی اجتماعی یا انتخابی، بلکه منصبی الهی است که به نص و تعیین صریح خداوند و ابلاغ پیامبر اکرم (ص) تحقق می‌یابد. محور استدلال امامیه بر این اصل، «نصوص جلیه» است؛ یعنی بیاناتی روشن، غیرقابل تأویل و صریح از پیامبر (ص) در معرفی امام پس از خود. این نصوص، با الفاظی مانند «وصی»، «خلیفه»، «امام»، «امیرالمؤمنین»، «سید»، «قائد الغرالمحجلین» و «یعیسوب الدین» بر ولایت و خلافت الهی امیرالمؤمنین علی (ع) و تداوم امامت در ذریه‌ی طاهره‌ی او دلالت دارند.

از دیدگاه متکلمان بزرگ امامیه مانند شیخ مفید، سید مرتضی، خواجه نصیر طوسی، ابن میثم بحرانی و فاضل مقداد، نص جلی عبارت است از لفظی که به‌گونه‌ای قطعی و بی‌نیاز از تأویل بر مقصود دلالت دارد و هیچ احتمال خلافی در آن راه ندارد. چنین نصوصی بر اساس

روایات متواتر و معتبر، به‌ویژه در احادیثی چون حدیث یوم‌الدار، حدیث وصایت، حدیث خلیفه و حدیث امیرالمؤمنین، به روشنی بر نصب الهی امام علی(ع) تصریح کرده‌اند. این نصوص نه تنها اثبات‌گر امامت بلافصل حضرت علی(ع) پس از پیامبر(ص) هستند، بلکه مبنای اعتقادی استمرار هدایت الهی در امت اسلامی به شمار می‌آیند. از نظر امامیه، پیامبر(ص) مأمور بود تا امام را با نص جلی معرفی کند تا حجت بر امت تمام گردد و جامعه اسلامی از انحراف مصون بماند. در نتیجه، «نصوص جلیه امامت» مهم‌ترین رکن استدلال امامیه بر الهی بودن نظام امامت و تمایز این مکتب از دیدگاه‌های انتخابی اهل سنت است.

بنابراین، بررسی نصوص جلیه از دیدگاه امامیه نشان می‌دهد که:

۱. امامت استمرار نبوت در بُعد ولایت و هدایت است.
۲. تعیین امام با نص صریح الهی صورت گرفته، نه با شورا یا اجماع.
۳. الفاظ و تعابیر نصوص جلیه در منابع متقدم شیعه دلالتی روشن بر خلافت بلافصل امام علی(ع) دارند.
۴. این نصوص، پیوندی میان حجت الهی و هدایت امت برقرار می‌سازند و مبنای اعتقادی تداوم ولایت الهی تا ظهور امام مهدی(عج) را تشکیل می‌دهند.

## کتابنامه

- .....
- ابن ابی الحديد، عبدالحمید (شارح)، نهج البلاغه، الناشر: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی، محل نشر: قم- ایران، سال نشر: ۱۳۶۳
- ابن طاووس، علی، الطرائف، الناشر: مطبعة الخيام، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۴۰۰ ه.ق.
- ابن بابویه، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، الناشر: دار الكتب الإسلامية، محل نشر: تهران - ایران، سال نشر: ۱۳۹۵ ه.ق.
- ..... التوحيد (صدوق) ناشر: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۴۱۶ ه.ق.
- ابن منظور، محمد، لسان العرب، الناشر: دار صادر محل نشر: بيروت، الطبعة الثالثة، سال نشر: ۱۴۱۴ ق
- ابن الأثير، علی، الكامل فی التاريخ، ناشر: دار صادر، محل نشر: بيروت، سال نشر: ۱۳۸۵ ق.
- ابن شهر آشوب، محمد، المناقب، الناشر: علامه، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: امینی، عبدالحسین، الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، الناشر: مركز الغدير للدراسات الإسلامية، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۴۱۶ ه.ق.
- ابونعیم، احمد، حلیة الأولیاء الناشر: دارام القرى، محل نشر: مصر - قاهره، سال نشر ۱۹۳۲ م
- ابوالحسین، احمد، مقایس اللغة. تحقیق عبدالسلام. الناشر: مكتب إعلام الإسلامی، محل نشر قم - ایران، سال نشر: ۱۴۰۴ ق.
- الآمدی، علی، الإحكام فی أصول الأحكام. الناشر: دارالفکر، محل نشر: بيروت - لبنان، سال نشر: ۱۴۲۴ ه.ق.

البستاني، فؤاد افرام، المنجد الابددي، الناشر: اسلامي، محل نشر: تهران-ايران، سال نشر: ١٣٧٥

البحراني، علي، قواعد المرام في علم الكلام، الناشر: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره) محل نشر: قم ايران سال نشر: ١٤٠٦ ه.ق.

منار الهدى في النص على إمامة الأئمة الاثنى عشر «ع» الناشر: دار المنتظر، محل نشر: بيروت - لبنان، سال نشر: ١٤٠٥ ه.ق.

البحراني، هاشم، غاية المرام و حجة الخصام في تعيين الإمام من طريق الخاص و العام الناشر: مؤسسة التاريخ العربي، محل نشر: بيروت - لبنان، سال نشر: ١٤٢٢ ه.ق.

..... كفاية الخصام، ناشر: احياء كتاب، محل نشر: تهران - ايران، سال نشر: ١٣٧٣ ه.ش.

الإنصاف في النص على الأئمة الاثنى عشر آل محمد صلى الله عليه و سلم الأشرافناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامي، محل نشر: تهران - ايران، سال نشر: ١٣٧٨ ه.ش.

التهانوي، محمد اعلي، موسوعة كشاف إصطلاحات الفنون و العلوم، الناشر: مكتبة لبنان ناشرون، محل نشر: بيروت - لبنان، سال نشر: ١٩٩٦ م.

الحر عاملي، محمد، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، الناشر: مؤسسة الأعلمي، محل نشر: بيروت - لبنان، سال نشر: ١٤٢٥ ه.ق.

التفتازاني، مسعود، شرح المقاصد، الناشر: الشريف الرضي، محل نشر: قم - ايران، سال نشر: ١٤١٢ ه.ق.

الحسيني الميلاي، علي، جواهر الكلام في معرفة الإمامة و الإمام ناشر: مركز الحقائق الإسلامية، محل نشر: قم - ايران، سال نشر: ١٣٨٩ ه.ش.

حسيني طهراني، محمد حسين، معرفة الإمام، ناشر: دار المحجة البيضاء، محل نشر: بيروت - لبنان، سال نشر: ١٤١٦ ه.ق.

الحلي، حسن، منهاج الكرامة في معرفة الإمامة لأبي منصور الحسن بن يوسف الشهير بالعلامة الحلي و الرد على منهاج السنة لابن تيمية، الناشر: مركز الحقائق الإسلامية، محل نشر: قم - ايران، سال نشر: ١٤٢٨ ه.ق.

- .....کشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد اثر: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۴۱۳ ه.ق.
- الجوينی عبدالملک، البرهان فی أصول الفقه. الناشر: دارالکتب العمیه، محل نشر بیرون\_لبنان، سال نشر ۱۴۱۸ ه.
- الجرجانی، علی، الشرح المواقف، الناشر: الشریف الرضی، محل نشر: قم - ایران، سال نشر:
- الخزاز الرازی، علی، کفایة الاثر في النص على الأئمة الإثنی عشر، الناشر: بیدار، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۴۰۱ ه.ق.
- الخمینی روح الله، تحریر الوسیله ناشر: مرسسه تنظیم و نشر امام خمینی: محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۳۷۹ ش
- دهخدا، علی اکبر، لغن نامه دهخدا، ناشر دانشگاه تهران، مؤسسه روزنه محل نشر: ایران - تهران، سال نشر: ۱۳۷۲ - ۱۳۷۳.
- ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی به شیعه شناسی، ناشر: مرکز جهانی علوم اسلامی، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۳۸۵ ه.ش.
- الراغب الإصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، الناشر: دارالمعرفه، محل نشر: بیروت\_لبنان، سال نشر: ۱۴۲۲ ه.ق.
- الزبیدی، محمد، تاج العروس، الناشر: دارالفکر، محل نشر: بیروت\_لبنان، سال نشر: ۱۳۷۳ ش.
- السیوری الحلّی، مقداد، اللوامع الإلهیة فی المباحث الکلامیة، ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم. مرکز انتشارات، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۳۸۰ ه.ش.
- ..... الأنوار الجلالیة فی شرح الفصول النصیریة، الناشر: آستانة الرضویة المقدسة. مجمع البحوث الإسلامیة، محل نشر: مشهد مقدس - ایران، سال نشر: ۱۳۷۸ ه.ش.
- ..... ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، الناشر: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۴۰۵ ه.ق.

- سبحانی تبریزی، جعفر، منشور عقاید امامیه ناشر: مؤسسه امام صادق علیه السلام محل  
نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۳۷۶ ه.ش.
- سلطان الواعظین، محمد، شبهای پیشاور در دفاع از حریم تشیع ناشر: دار الکتب  
الإسلامیة، محل نشر: تهران - ایران، سال نشر: ۱۳۷۹ ه.ش.
- شعرانی، ابوالحسن، کشف المراد (شعرانی) ناشر: کتابفروشی اسلامیة، محل نشر: تهران -  
ایران، سال نشر: ۱۳۷۲ ه.ش.
- شرف الدین، عبدالحسین المراجعات الناشر: المجمع العالمي لاهل البيت (عليهم  
السلام)، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۴۲۶ ه.ق.
- الشوشتري، نور الله، إحقاق الحق وإزهاق الباطل، الناشر: کتابخانه عمومی حضرت آیت  
الله العظمی مرعشی نجفی (ره) محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۴۰۹ ه.ق.
- الصباح الحموی، المنجد فی اللغة العربية المعاصرة، الناشر: دارالمشرق، محل نشر:  
بیروت - لبنان، سال نشر: ۲۰۰۰ م.
- الصدوق، محمد، علل الشرايع، ناشران: مومنین، علویون محل نشر: قم - ایران، سال نشر:  
۱۳۹۷ ش.
- الطوسی، محمد، رسائل الشيخ الطوسی، ناشر: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم.  
مؤسسة النشر الإسلامي، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۴۱۴ ه.ق.
- ..... تلخیص الشافی الناشر: المحبین، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۳۸۲  
ه.ش.
- الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، الناشر: مكتبة المرتضوية محل نشر: تهران - ایران،  
سال نشر: ۱۳۷۶ ش.
- الطبسی، محمد رضا، الشيعة و الرجعة، الناشر: مطبعة الآداب، محل نشر: نجف اشرف -  
عراق، سال نشر: ۱۳۸۵ ه.ق.
- علم الهدی، علی، الشافی فی الإمامة، الناشر: مؤسسة الصادق (ع)، محل نشر: تهران - ایران،  
سال نشر: ۱۴۰۷ ه.ق.

عمید، حسن، فرهنگ عمید، ناشر: انتشاراتی امیرکبیر، محل نشر: تهران- ایران، سال نشر: ۱۳۶۴.

عسکری، مرتضی، معالم المدرستین، ناشر: دانشکده اصول الدین، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۳۸۶ ه.ش.

الفراهیدی، خلیل، کتاب العین، ناشر: دارالهجره، محل نشر: قم- ایران، سال نشر: ۱۴۰۹ ق.

الفیروزآبادی، محمد، القاموس، الناشر: مؤسسه الرساله بإشراف محمد نعیم عرقشویی، محل نشر: بیروت - لبنان، سال نشر: ۱۴۲۶ ه. ۲۰۰۵ م.

القندوزی، سلیمان، ینابیع المودة، الناشر: منظمة الاوقاف و الشؤون الخيرية. دار الأسوة للطباعة و النشر، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۴۲۲ ه.ق.

الکلینی، محمد، الکافی، الناشر: دارالکتب الإسلامیه، محل نشر: تهران- ایران سال نشر ۱۴۰۷.

الکتوری، میر حامد حسین، عبقات الأنوار في إمامة الأئمة الأطهار الناشر: غلامرضا مولانا بروجردی، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۴۰۴ ه.ق.

..... نفحات الأزهار في خلاصة عبقات الأنوار للعلم الحجة آية الله السيد حامد حسين اللكهنوي ناشر: السيد علي الحسيني الميلاني، محل نشر: [بی جا] - [بی جا]، سال نشر: ۱۴۱۴ ه.ق.

الکوفی، محمد، مناقب أمير المؤمنين (ع) کوفی، الناشر: مجمع إحيای فرهنگ اسلامی، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۴۲۳ ه.ق.

لاهیجی، حسن، شمع اليقين و آيينه دينناشر: نشر سایه، محل نشر: تهران - ایران، سال نشر: ۱۳۸۷ ه.ش.

لاهیجی، عبد الرزاق، گوهر مراد، ناشر: نشر سایه، محل نشر: تهران - ایران، سال نشر: ۱۳۸۳ ه.ش.

لاهیجی، علی، فتح السبل، ناشر: مرکز پژوهشی میراث مکتوب محل نشر: تهران - ایران، سال نشر: ۱۳۷۵ ه.ش.

- المظفر، محمد حسن، دلائل الصديق لتهج الحق، الناشر: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، محل نشر: قم - إيران، سال نشر: ۱۴۲۲ ه.ق.
- مقدس اردبیلی، احمد، حقیقة الشيعة، ناشر: انصاريان، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۳۸۳ ه.ش.
- المفيد، محمد، اوئل المقالات، ناشر: دار المفيد، محل نشر: بيروت - لبنان، سال نشر: ۱۴۱۴ ه.ق.
- .....سلسلة مؤلفات الشيخ المفيد الناشر: دار المفيد، محل نشر: بيروت - لبنان، سال نشر: ۱۴۱۴ ه.ق.
- المتوكل على الله، احمد، حقائق المعرفة في علم الكلام، الناشر: مؤسسة الإمام زيد بن علي الثقافية، محل نشر: صنعاء - اليمن، سال نشر: ۱۴۲۴ ه.ق.
- معين، محمد. فرهنگ معين، ناشر: مؤسسه انتشاراتی امير كبير، محل نشر: تهران-ایران، سال نشر: ۱۳۵۱ ه. ق
- . المهنا، عبدالله، لسان اللسان، الناشر: دارالكتب العلمية، محل نشر: بيروت-لبنان، سال نشر: ۱۴۱۳ ق
- المحقق الحلي، جعفر، المسلك في اصول الدين، الناشر: آستانة الرضوية المقدسة. مجمع البحوث الإسلامية، محل نشر: مشهد مقدس - ایران، سال نشر: ۱۳۷۳ ه.ش.
- المجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محل نشر: بيروت - لبنان، سال نشر: ۱۴۰۳ ه.ق
- ..... . مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ناشر: دار الكتب الإسلامية، محل نشر: تهران - ایران، سال نشر: ۱۳۶۳ ه.ش.
- نوبختی، حسن، فرق الشيعة، ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، محل نشر: تهران - ایران، سال نشر: ۱۳۸۱ ه.ش.
- النصيبی، محمد، المطالب السؤول، الناشر: مؤسسة البلاغ، محل نشر: بيروت - لبنان، سال نشر: ۱۴۱۹ ه.ق.

النوری الطبرسی، اسمعیل، کفایة الموحدين، الناشر: علمیه اسلامیة، محل نشر: تهران - ایران، سال نشر:

نراقی، مهدی، أنیس الموحدين، ناشر: الزهرا (س) محل نشر: تهران - ایران، سال نشر: ۱۳۶۹ ه.ش.

حافظ برسی، رجب، ترجمه مشارق انوار الیقین فی حقائق اسرار امیر المومنین علیه السلام، ناشر: صاحب الزمان (عج)، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۳۸۹ ه.ش.